روزنه

دادستان تهران گزارش داد

## نبود مستندات، علت عدم رسیدگی به تحقیق‌وتفحص‌های مجلس

● **شرق:** دادستان تهران کلی‌بودن گزارش‌ها، ضمیمه‌نشدن مستندات و پیگیری‌نشدن جدی از سوی نمایندگان را مشکل اصلی رسیدگی دقیق به گزارش‌های تحقیق‌وتفحص ارجاعی از سوی مجلس دانسته است.

تحقیق‌وتفحص یکی از اختیارات نمایندگان مجلس است و به موجب اصل ۷۶ قانون اساسی و مواد ۱۹۸ تا ۲۰۱ آیین‌نامه داخلی مجلس، وکلای ملت هر زمان تشخیص دهند که در سازمان یا ارگانی سوءعملکردی وجود دارد، می‌توانند تحقیق‌وتفحص از آن را کلید بزنند و در نهایت گزارش پایانی خود را در صورت احراز تخلف و ضرورت تعقیب قضائی، به‌منظور بررسی بیشتر به قوه قضائیه ارسال کنند؛ اما تاکنون تجربه نشان داده است که این گزارش‌ها منتج به نتیجه نمی‌شوند و در قوه قضائیه ترتیب اثری به پرونده‌های تحقیق‌وتفحص داده نمی‌شود. بنابراین حتی اگر تحقیق‌وتفحصی پرده از یک فساد بزرگ هم بردارد، باز هم نگرانی برای متهمان پرونده در پی نخواهد داشت که همین مسئله انتقادهای بسیاری به همراه داشته است.

در این ارتباط، در اصل ۷۶ قانون اساسی به‌صراحت آمده است که مجلس شورای اسلامی حق تحقیق‌وتفحص در همه امور کشور را دارد و بر اساس همین اصل قانون اساسی، در قانون آیین‌نامه داخلی مجلس شورای اسلامی که جزء قوانین اصلی کشور است، به نحوه اجرا و چگونگی انجام تحقیق‌وتفحص اشاره شده است. به این ترتیب، با توجه به اختیاراتی که در تحقیق‌وتفحص به مجلس داده می‌شود، چنانچه این وظیفه نظارتی به‌درستی انجام شود، می‌تواند بسیاری از مشکلات کشور را حل‌وفصل کند؛ اما با توجه به تجربه صدها پرونده تحقیق‌وتفحص در دوره‌های مختلف مجلس، این سؤال مطرح می‌شود که آیا مجلس‌های مختلف در انجام وظیفه نظارتی خود در این مقوله موفق عمل کرده‌اند؟ همچنین پرسشی که در اینجا مطرح است، این است که سرنوشت تحقیق‌وتفحص به‌عنوان مهم‌ترین مکانیسم یا سازوکار نظارتی چه می‌شود؟ استفاده از ابزار تحقیق‌وتفحص در مجالس گذشته، این واقعیت را روشن می‌کند که عموما تحقیق‌وتفحص‌ها تا روزهای پایانی مجلس طول می‌کشد و در نهایت به قرائت عجولانه در صحن علنی مجلس ختم می‌شود یا حتی نه‌تنها در صحن علنی مطرح نمی‌شود، بلکه به بخش بایگانی مجلس ارجاع داده شده و در نتیجه یا به فراموشی سپرده شده یا در میان انبوهی از لوایح و طرح‌ها گم می‌شود. این در حالی است که نگاهی گذرا به تحقیق‌وتفحص‌های انجام‌شده در ادوار مختلف مجلس نشان می‌دهد عموما انجام تحقیق‌وتفحص دست‌کم شش ماه و حداکثر یک سال زمان نیاز دارد و به گفته نمایندگان مجلس، هر تحقیق‌وتفحصی به‌طور متوسط حدود ۲۵۰ میلیون تومان پول لازم دارد تا به نتیجه برسد.

همچنین با توجه به سازوکار فعلی، تحقیق‌ها و گزارش‌هایی که در نهایت برای قوه قضائیه ارسال می‌شوند، به شکلی است که جز هدردادن زمان و هزینه، نتیجه‌ای دربر ندارد. حال قوه قضائیه برای سروسامان‌دادن به وضعیت موجود و بررسی این پرونده‌ها که در حال خاک‌خوردن در این قوه هستند، در تکاپو است. القاصی‌مهر، دادستان تهران که در جلسه گذشته شورای عالی قوه قضائیه از سوی آیت‌الله رئیسی مأمور رسیدگی به گزارش‌های تحقیق‌وتفحص مجلس شورای اسلامی شده بود، در نشست روز گذشته خود، گزارشی از روند رسیدگی به ۲۹ پرونده تحقیق‌وتفحص مجلس که به دستگاه قضا ارجاع شده بودند، ارائه کرد. او با اشاره به مفتوح‌بودن تعداد درخور توجهی از گزارش‌های مذکور، توضیح داد: مشکل شایان توجهی که در پرونده‌های تحقیق‌وتفحص ارجاعی به قوه به چشم می‌خورد و مانع رسیدگی و صدور حکم قطعی برای آنها می‌شود، کلی‌بودن گزارش‌ها، ضمیمه‌نشدن مستندات کافی، عدم پیگیری جدی از طرف نمایندگان معرفی‌شده و تأخیر در ارائه این گزارش‌ها بوده است. حجت‌الاسلام رئیسی در واکنش به این گزارش، به دادستان تهران مأموریت داد ضمن مکاتبه با مجلس و درخواست برای ارائه مستندات تکمیلی گزارش‌های ارجاعی به دستگاه قضا، زمینه را برای رسیدگی قطعی و روشن به این گزارش‌ها فراهم کند.

اگر مجلس بتواند نواقص پرونده‌های تحقیق‌وتفحص را رفع کند یا دستگاه قضا با ورود به‌موقع به کشف حقیقت و شناسایی جرائم رخ‌داده اقدام کند، مطمئنا موضوع تحقیق‌وتفحص‌های مجلس دیگر جنبه تشریفاتی نخواهند داشت و در یک همکاری قضائی، راه‌های فساد شناسایی و حذف خواهند شد. این‌گونه برقراری عدالت دست‌یافتنی‌تر خواهد بود و پرونده‌های فساد متهمان این تحقیق‌ها نیز به‌جای خاک‌خوردن در قوه قضائیه، به صدور حکم قضائی و محاکمه مفسدان منتج خواهد شد.

# کدام اصلاحات؛ حجاریان یا نبوی؟

## حجاریان: نبوی به حزب کارگزاران گرایش پیدا کرده است

## نبوی: کسانی که می‌گویند مشارکت مشروط، اصلاح‌طلبی را جور دیگری فهمیده‌اند

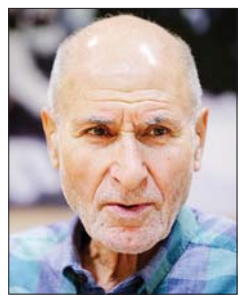

**مهرشاد ایمانی:** اصلاح‌طلبان نه امروز بلکه چندوقتی است در دوگانه‌ای سیاسی قرار گرفته‌اند؛ بازگشت به جامعه یا حضور در قدرت. همین دوگانه باعث به‌وجودآمدن صف‌بندی‌های جدیدی شده است. نیروهای حزب کارگزاران در گفت‌وگوهای مختلف بارها اعلام کرده‌اند که استمرار اصلاح‌طلبی بدون حضور در قدرت سیاسی معنی ندارد و اگر اصلاح‌طلبان درپی به‌دست‌آوردن مسئولیت‌های سیاسی نباشند، لاجرم جریان اصلاحات حذف خواهد شد. برای مثال غلامحسین کرباسچی، دبیر کل حزب کارگزاران سازندگی، چندی پیش گفته بود: «من به دوستان اصلاح‌طلب خودمان می‌گویم، شما که مدام می‌گویید باید جامعه‌محور باشیم و روی به جامعه بیاوریم و فقط به فکر این نباشیم که در قدرت باشیم، خب این الان جامعه! آقایان و خانم‌های اصلاح‌طلب، چه طرح و چه همبستگی‌ای برای خدمت به این مردم و رفع مشکلات آنها در مسئله کرونا ارائه دادید؟». یا حسین مرعشی، سخنگوی این حزب، گفته بود: «احیای سرمایه اجتماعی و حضور در قدرت هیچ منافاتی با یکدیگر ندارند و نمی‌توان اصلاح‌طلبان را در دوراهی انتخاب یکی از اینها قرار داد. چون اصلاح‌طلبان قدرت را برای خودشان نمی‌خواهند، بلکه قدرت را برای اصلاح امور کشور و حل مشکلات مردم می‌خواهند. البته قدرت مثل همه خوبی‌های دیگر دنیا می‌تواند شر هم باشد. خیروشربودن قدرت به این بستگی دارد که شما با چه هدفی دنبال کسب قدرت باشید».

طیف مقابل اما باور دارند که اصرار بر حضور در قدرت سیاسی به هر قیمتی باعث شد تا سرمایه اجتماعی اصلاح‌طلبان مخدوش شود و نیروهای اصلاح‌طلب مانند سابق مورد اعتماد قاطبه جامعه نباشند؛ به همین دلیل در شرایطی که امکان حضور در قدرت وجود ندارد نباید به هر قیمتی و با هر شرایطی خود را تطبیق دهیم و لازم است که قدری دوران فطرت را تجربه کنیم و به جامعه بازگردیم تا دوباره بتوانیم اعتماد عمومی را به دست بیاوریم. محمدرضا تاجیک یکی از شخصیت‌هایی است که همواره به نقد اصرار برخی اصلاح‌طلبان به حضور در قدرت پرداخته است. خواندن این سخنان تاجیک در شناخت نوع نگاه این طیف از اصلاح‌طلبان خالی از لطف نیست: «در فردای پیروزی جریان اصلاح‌طلبی و تبدیل آن به گفتمان مسلط، اصلاح‌طلبان چندان به رخداد اصلاح‌طلبی و نظام آکسیومی آن وفادار نماندند. بی‌تردید، نفوذ و رخنه خودآگاه و ناخودآگاه عشق به قدرت در این بی‌وفایی تأثیری شگرف داشت. در فردای تبدیل پادگفتمان اصلاح‌طلبی به گفتمان مسلط و مستقر، سوبژکتیویته قدرت و بقا در قدرت جای سوبژکتیویته نقد و اصلاح مستمر قدرت را گرفت... دیری نپایید که گفتمان اصلاح‌طلبی نیز به‌نوعی آپاراتوس و دیسپوزیتیف قدرت تبدیل و در پای قدرت و منفعت ذبح شد... نخست بگویم که روایت اصلاح‌طلبان، روایت واحد و یگانه‌ای نیست و در ساحت فراخ جریان اصلاح‌طلبی، رقص تفاوت‌ها و تمایزها و تکثرها (بازی‌های زبانی و گفتمانی گونه‌گون) برپاست. چون نیک بنگریم بسیاری از اصلاح‌طلبان امروز را در هیچ‌کجا و هرکجای نظری و عملی می‌بینیم. اینان، اصلاح‌طلبی را دقیقا در همان موقف و موضعی تعریف می‌کنند که قدرت و منفعت‌شان اقتضا می‌کند. این عده، برای رسیدن به قدرت آرام و قرار ندارند. کک قدرت افتاده در تن و جان‌شان و آرامش و قرار را از آنان ربوده است».

یا مصطفی تاجزاده در میزگرد با احمد زیدآبادی درباره این موضوع گفته بود: «مسئله این است که با حضور در قدرت توانسته‌ایم به اهداف خود برسیم؟ از انقلاب مشروطه به این طرف همواره نیروهای تحول‌خواه کشور چشم به حضور در قدرت داشته‌اند، همین که امروز معتقدیم کشور در توسعه موفق نبوده است، نمی‌تواند نگاه به قدرت را مشکل دانست؟... راه اصلاح جامعه تقویت جامعه مدنی برابر دولت است و حضور در قدرت بدون داشتن جامعه مدنی قوی اشتباه است. در مورد مصدق هم معتقدم نباید نهضت ملی نفت را با نخست‌وزیرشدنش گره می‌زد؛ چراکه مناسبات بین‌المللی مانع انجام هدفش بود یا زمانی که در قدرت متوجه موانع شد، در ۳۰ تیر به نحوی با قوام بر سر ادامه حیات نهضت ملی‌شدن به تعامل می‌رسید تا این جنبش اجتماعی بتواند هدف خود را همچنان ادامه دهد».

اما شاید شاخص‌ترین نظری که در چندوقت اخیر به گوش رسید، پیشنهاد سعید حجاریان پیش از انتخابات مجلس در سال ۹۸ بود. او چند ماه قبل از انتخابات گفت که حضور اصلاح‌طلبان در انتخابات باید مشروط باشد؛ به این معنی که اگر شروط اصلاح‌طلبان تأمین نشود، آنها از حضور در انتخابات کناره‌گیری می‌کنند. او در یاداشتی نوشته بود: «اصلاح‌طلبی به‌لحاظ تئوریک پیشتاز محسوب می‌شود و همواره باید به‌عنوان پیش‌قراول در صحنه سیاست و جامعه حضور داشته باشد و دنبال‌رویِ رقیب از هر جریان کوتاه‌مدتی پاشنه آشیل این جریان است. دنباله‌روی به تعلیق وجه تئوری اصلاح‌طلبی و قلبی افق‌های یک‌روزه منجر می‌شود، از این گذشته به لحاظ منطقی و با توجه به پیشینه تاریخی چنانچه اصلاح‌طلبان (دارای پروژه سیاسی مشخص) و معترضان به وضع معیشت یک‌صدا شوند نخستین گزینه برخورد قهری اصلاح‌طلبان خواهد بود نه توده مردم حاضر در خیابان... . این مدل درباره انتخابات نیز کاراست. اصلاحات باید موضع خود در برابر انتخابات را به‌صراحت اعلام کند. در مباحث پیشین ازجمله میزگرد سیاست‌ورزی انتخاباتی، چند رویکرد پیش‌روی اصلاح‌طلبان ترسیم شده است، اما در کوتاه‌مدت شاید عقلانی‌ترین راهبرد خود را بتوان در مشارکت مشروط جست».

این سخن حجاریان در مقطع پیش از انتخابات بسیار مورد نقد قرار گرفت که شاید بتوان قطب مخالف حجاریان در این موضوع را بهزاد نبوی بدانیم. او درباره این موضوع به‌صراحت گفته بود که بدون هیچ قید و شرطی باید در انتخابات شرکت کرد: «من جزء افرادی هستم که به حضور بی‌قیدوشرط و پرشور در انتخابات معتقدم. کسانی که می‌گویند شرکت نمی‌کنیم اصلاح‌طلبی را جوری دیگر می‌فهمند و معتقدان به مشارکت مشروط این شرط را برای چه کسی می‌گذارند؟ مخالفان اصلاحات در ظاهر از حضور گسترده استقبال می‌کنند اما از حضورنیافتن ما خیلی خوشحال می‌شوند چون در این صورت امکان پیروزی دارند، درحالی‌که حضور پرشور موجب پیروزی طیف اصلاحات می‌شود... حداقل مشارکت در انتخابات مجلس ۵۰درصد، حداکثر هم ۷۰درصد و حدود ۳۰درصد هم در انتخابات شرکت نمی‌کنند بنابراین ۲۰درصدی که مخاطب شما هستند طبقات متوسط شهری است که نتیجه انتخابات را تعیین می‌کنند؛ بنابراین شرط‌گذاشتن برای طرف مقابل نتیجه‌بخش نخواهد بود... با این اوصاف پیشنهادم این است که حضور بی‌قیدوشرط در مجلس داشته باشیم».

البته که سخن حجاریان در این موضوع به واقعیت نزدیک‌تر بود، زیرا با ردصلاحیت‌های گسترده شورای نگهبان و حذف نامزدهای اصلاح‌طلب از کارزار انتخابات لحظه آخر عموم اصلاح‌طلبان به این نتیجه رسیدند که در نبود نامزدهای مطرح نباید لیست واحد ارائه داد؛ تقریبا همان نتیجه‌ای که پیش از اینها سعید حجاریان پیشنهاد داده بود. از سوی دیگر پیش‌بینی نبوی هم درباره جامعه مخاطب سخن حجاریان دقیق نبود، زیرا مشارکت عمومی بسیار کمتر از ۵۰درصد بود و طبیعتا جامعه مخاطبان ایده حجاریان بیش از ۲۰درصد مذکور در سخنان نبوی بود.

بعد از ردصلاحیت‌های شورای نگهبان برخی اصلاح‌طلبان بیش از پیش به این نتیجه رسیدند که عملا امکان حضور در قدرت سیاسی فراهم نیست و به‌دلیل ریزش سرمایه اجتماعی که متعاقب حمایت اصلاح‌طلبان از روحانی و نوع عملکرد دولت خاصه از سال۹۶ تاکنون به وجود آمد باید به جامعه بازگشت اما برخی همچنان بر موضع پیشین خود اصرار کردند که حضور در قدرت سیاسی برای اصلاح‌طلبان یک اصل است که بازهم کارگزارانی‌ها را می‌توان در این دسته فرض کرد. از طرفی برخی هم چه پیش از انتخابات مجلس و چه پس از آن، بنای خود را ادامه حمایت از دولت گذاشتند و به‌هیچ‌وجه ریزش سرمایه اجتماعی را متوجه نوع عملکرد دولت و حمایت اصلاح‌طلبان از دولت ندانستند؛ چنانکه چندی پیش بهزاد نبوی گفته بود: «معتقدم مشکلات موجود کشور در حدی است که قوی‌ترین دولت‌ها نیز به‌سادگی از عهده حل آنها برنمی‌آیند. بسیاری از مشکلات کشور معلول عملکرد کلیه ارکان نظام و بعضا خارج از کنترل نظام است که طبعا نمی‌توان آنها را به حساب دولت گذاشت. همه می‌دانند که در مواضع سیاست خارجی، داخلی، فرهنگی، اجتماعی و حتی اقتصادی جمهوری اسلامی سهم دولت محدود است. مع‌الوصف عملکرد دولت حداقل در زمینه سیاست خارجی، چنانچه با کارشکنی‌های برخی مواجه نمی‌شد، می‌توانست به سرمایه‌گذاری گسترده خارجی و حل مشکلات اقتصادی منجر شود و این عملکرد را می‌توان افتخارآمیز دانست. البته عملکرد دولت ترامپ را هم در به بن‌بست‌کشاندن این عملکرد در مراحل بعد نباید فراموش کرد». در واقع نبوی حتی مشکلات پیش‌آمده در دولت را نه‌تنها متوجه دولت نمی‌داند بلکه از سر کارشکنی‌های داخلی و خارجی می‌داند. او حتی به‌صراحت اعلام کرد: «من سینه‌چاک آقای روحانی نیستم ولی باید از او دفاع کرد».

بنابراین اصلاح‌طلبان در دو زمینه دچار اختلاف شدند؛ نخست حمایت از دولت روحانی که برخی سعی کردند تا همین حالا به‌صورت همه‌جانبه از دولت حمایت کنند و از حمایت در سال۹۲ تخطی نکنند و برخی دیگر سعی کردند از جایی به بعد حساب خود را از دولت جدا کنند تا به تعبیر خودشان عملکرد دولت به حساب اصلاح‌طلبان نوشته نشود.

برای مثال وقتی سعید حجاریان گفت که دیگر نمی‌شود جنس بنجل به مردم داد، محمد عطریانفر در گفت‌وگو با «شرق» به این سخن واکنش نشان داد و گفت: «جمع‌بندی آقای حجاریان امر واقع و مقبولی نیست و پذیرش چندانی ندارد. وقتی سخن از جنس بنجل می‌شود، باید مشخص شود منظور چیست؟ آقای روحانی اگرچه در ساختار تشکیلاتی اصلاح‌طلب نبود اما رویکردش اصلاح‌طلبانه بود. آقای روحانی به‌لحاظ عملکرد در دولت اول اگر بالاتر از آقای خاتمی عمل نکرده باشد، پایین‌تر هم نیست. پس اگر آقای خاتمی فاخرترین شخصیتی است که اصلاح‌طلبان به عرصه آوردند و پیروز شدند، روحانی هم از این جنس است. ما همیشه اتفاقا جنس مرغوب به مردم ارائه دادیم و هنوز هم در سطح کلان از اقداماتی که از سال۹۲ تاکنون صورت گرفته است، دفاع می‌کنیم».

با چنین گزاره‌هایی شاید بازهم همان «بین‌العباسین» معروفِ اصلاح‌طلبان که از عباس عبدی تا عباس دوزدوزانی می‌توانند اصلاح‌طلب محسوب شوند، به ذهن متبادر می‌شود؛ این پرسش‌ها که معیارهای دقیق شناسایی یک اصلاح‌طلب از غیراصلاح‌طلب چیست؟ و چگونه می‌توان گفت یک اصلاح‌طلب در یک بزنگاه سیاسی چه تصمیمی باید بگیرد؟ برای مثال وقتی بهزاد نبوی در سخنانی تلویحا حتی مجلس یازدهم را که یکسره اصولگراست، معتدل قلمداد می‌کند و راضی به این می‌شود که از مجلس هفتم پخته‌تر است و به نوعی می‌گوید که می‌شود روی آن حساب کرد و طرفداران قالیباف در مجلس را معتدل می‌داند، چگونه می‌توان گفت که اصلاح‌طلبان چه خط سیاسی دقیقی دارند و برایشان چه فرقی دارد که مجلس در اختیار اصولگرایان باشد یا اصلاح‌طلبان؟

شاید همین پرسش‌هاست که اخیرا سعید حجاریان را وادار به سخن کرد تا در گفت‌وگو با روزنامه همشهری بگوید: «واقعیت این است که اصلاح‌طلبی چارچوب مشخصی دارد؛ اگر از آنها عدول کنیم دیگر اصلاح‌طلب نیستیم و من توصیه می‌کنم این قبیل دوستان، به پارادایم‌های گذشته‌شان بازگردند یا لااقل به احزاب همسو بپیوندند تا هزینه اصلاح‌طلبان تندرو بر آنها بار نشود! مثلا شما به نمونه سازمان مجاهدین انقلاب توجه کنید. طیفی از دوستان مانند آقایان قدیانی، آقاجری و با کمی اختلاف تاج‌زاده رویکرد انتقادی‌تر پیش گرفته‌اند و طیفی دیگر مانند آقای نبوی معتدل هستند و حتی به سمت حزب کارگزاران سازندگی گرایش پیدا کرده‌اند. خب، این اختلاف‌نظر از جنس انشعاب -که پیش‌تر در این حزب رخ داد- نیست، اما از نوعی مرزبندی حکایت دارد. حالا شاخص تندروی و کندروی چه کسی و کدام رویکرد است؟ قدیانی، آقاجری و تاج‌زاده به‌زعم برخی تندرو هستند چون انتقادات مبنایی مطرح می‌کنند و نبوی تندرو نیست چون حتی از دولت روحانی هم انتقاد نمی‌کند. من معتقدم باید هر دو صدا را به‌رسمیت شناخت اما ضروری است که مرزها شفاف شود. در نیروهای حزب مشارکت هم، چنین الگویی صادق است. افرادی رویکرد انتقادی دارند و به‌دنبال اصلاحات عمیق‌تر هستند، اما عده‌ای همچنان گرایش انجمن اسلامی دارند؛ چه در اعلام موضع و چه در الگوی فعالیت جمعی. مع‌الوصف، ضرورت دارد هرکس جایگاه خودش را مشخص کند. نمی‌شود از عنوان و سابقه اصلاح‌طلبی خرج کنید، در مناسبت‌ها و دیدارهای رسمی خود را نماینده طیف پیشروی این جریان معرفی کنید و نهایتا مانند اصولگرایان موضع بگیرید».

گزاره‌ای که سعید حجاریان مطرح می‌کند ناظر به تعیین یک خط روشن میان اصلاح‌طلبی با غیراصلاح‌طلبی است؛ شاید همان‌چیزی که بسیاری از اصلاح‌طلبان در عمل به آن باور دارند؛ چنانکه به نظر می‌رسد که تکیه شورای عالی سیاست‌گذاری اصلاح‌طلبان و بسیاری از نیروهای اصلاح‌طلب بر استفاده از یک نامزد کاملا اصلاح‌طلب و نه دیگر یک نامزد اصولگرا حتی اصولگرای میانه‌رو بر همین تعیین خطر اصلاح‌طلبی باشد. هرچند این موضوع را می‌توان در حوزه سیاست انتخاباتی تعریف کرد اما شاید لازم است که در حوزه تئوریک هم با ارائه یک مانیفست دقیق برای نخبگان سیاسی و البته مردم تعیین شود که چه کسی اصلاح‌طلب است و چه کسی اصلاح‌طلب نیست.

سخنگوی وزارت خارجه در نشست خبری هفتگی:

# دبیرکل سازمان ملل تحت فشار کشورهای خاص است

سخنگوی وزارت امور خارجه دیروز در نشست خبری خود گزارش جدید دبیرکل سازمان ملل علیه ایران مبنی‌بر منشأ ایرانی داشتن پرتاب موشک به آرامکو را کاملا همسو با سیاست و نقشه جدید آمریکا علیه ایران دانست و گفت: «این ادعا بی‌پایه‌واساس است و اتهام عنوان‌شده را بر مبنای فشارهای آمریکا و رژیم عربستان ارزیابی می‌کنیم». سیدعباس موسوی با بیان اینکه هیچ سندی دال بر منشأ ایرانی داشتن موشک‌ها مشاهده نکردیم، گفت: «دبیرکل سازمان ملل از طریق برخی کشورهای خاص تحت فشار قرار می‌گیرد و گزارشی قرائت می‌کند که پایه و اساس خاصی ندارد».

### چشممان را بر اقدامات غیرقانونی نمی‌بندیم

موسوی درباره برخی شیطنت‌ها در افغانستان علیه جمهوری اسلامی و احضار سفیر این کشور با بیان اینکه با افغانستان روابط خوبی داشته و داریم، گفت: «جمهوری اسلامی چهار دهه میزبان بدون منت برادران و خواهران افغانستانی بوده و امروز هم آرزومند ایجاد صلح در این کشور است». سخنگوی وزارت امور خارجه خاطرنشان کرد: «ما همواره خواستار ثبات و آرامش در افغانستان هستیم، اما اینها باعث نمی‌شود جمهوری اسلامی چشم خود را روی برخی اقدامات غیرقانونی ببندد. وقتی مرز یا گمرک تعیین شد، به معنای این است که همه رعایت کنند، اما عده‌ای با اغوای قاچاقچیان یا اقدام تروریستی یا هر دلیل دیگر غیرقانونی وارد کشور می‌شوند که جمهوری اسلامی این اجازه را نمی‌دهد». وی با بیان اینکه سفارتخانه ما در این کشور فعال است، گفت: «اخیرا عده‌ای با تجمع غیرقانونی در محل سفارت ما به نفع بیگانگان و به نفع تخریب روابط دو کشور سوءاستفاده کردند که هشدار دادیم این اقدامات و توهین‌ها غیرقابل تحمل است». موسوی تصریح کرد: «اگر سؤالی باشد، پاسخ می‌دهیم، اما فضاسازی‌ها علیه جمهوری اسلامی ایران قابل‌قبول نیست». وی اضافه کرد: «همچنان به اتباع محترم افغانستانی توصیه می‌کنیم آنانی که دوست ما هستند و برایشان احترام قائل هستیم، سعی کنند وقتی مرز باز شد، مبادی رسمی را برای ورود و خروج انتخاب کنند. باید مرزهای ما مرزهای صلح و دوستی باشد».

### کره جنوبی روابط دیرینه را خدشه‌دار نکند

سخنگوی دستگاه دیپلماسی درباره بلوکه‌شدن اموال ایران در کره جنوبی و دستور رئیس‌جمهوری به بانک مرکزی برای پیگیری این امر گفت: «مدت‌هاست پیگیر مطالبات از کره جنوبی هستیم. متأسفانه کره جنوبی بیش از نیم‌قرن رابطه خوب و صمیمی ما را دستخوش جریاناتی کرده که با دخالت کشورهای ثالث دچار خدشه می‌شود». وی افزود: «ملت و تجار ما و خود دولتی‌های ما همواره رابطه خوبی با بخش‌های مختلف در کره جنوبی داشتند، اما تبعیت کورکورانه کره جنوبی از آمریکا و بلوکه‌کردن اموال ایران در این کشور به بهانه فشارهای آمریکا قابل‌قبول نیست». موسوی ادامه داد: «تحریم‌های آمریکا تصمیم خودسرانه کشوری است که قلدرمآبانه علیه کشور ما و دیگرانی که با ما ارتباط دارند، اعمال فشار و زور می‌کند. متعجب نیستیم که عده‌ای زیر بار می‌روند، اما حق ندارند اموال ملت ایران را برای مدت مدیدی به این بهانه بلوکه کنند. اینها باید به این فکر باشند و روابط دیرینه را خدشه‌دار نکنند». سخنگوی وزارت امور خارجه یادآور شد: «وزارت امور خارجه با همکاری بانک مرکزی و سایر دستگاه‌ها همه اقدامات حقوقی و دیپلماتیک را انجام داده و انجام می‌دهد تا حقوق مردم ما تضمین شده و تضییع نشود».

### تلاش‌های آمریکا درباره ۲۲۳۱ بی‌نتیجه است

این دیپلمات عالی‌رتبه کشورمان همچنین درباره تلاش آمریکا برای ارسال پرونده ایران به شورای امنیت با استناد به گزارش دبیرکل سازمان ملل متحد و حمایت روسیه و چین از ایران گفت: «ادعاهای آمریکا در مورد ایران غیرقانونی و مردود است و همه کشورهای عضو شورای امنیت در این زمینه وقوف دارند و اعلام نظر کرده‌اند و روسیه و چین هم دراین‌باره اعلام موضع کرده‌اند».

ادامه در صفحه ۱۵

الو شرق ۸۸۹۴۸۲۷۳

sharghline@sharghdaily.ir

پیامک: ۳۰۰۰۴۶۹۹

● **چرا مسئولان به قولی که به مردم می‌دهند و آن را در بوق‌وکرنا می‌کنند عمل نمی‌کنند؟**

در مورد افزایش حقوق بازنشستگان که حداقلِ حقوق را می‌گیرند و قرار بود از اول فروردین‌ماه سال جاری این مبلغ به حداقل مبلغ دو میلیون و ۸۰۰ هزار تومان افزایش یابد، متأسفانه این قول‌وقرار و این وعده‌ووعید هنوز به بهانه‌های مختلف و نامعلوم تحقق پیدا نکرده است. علت آن را به طور شفاف برایمان توضیح دهند.

**محمود بلیغیان از اصفهان**

● مدیر و پرسنل خدمات مجموعه ورزشی شکوفه اصلا رفتار درستی با ورزشکاران ندارند و بی‌احترامی می‌کنند. من چندین‌سال است که در این مجموعه رفت‌وآمد می‌کنم و تقریبا بیشتر ورزشکاران همین مشکل را با مدیر مجموعه دارند و فقط به‌خاطر مربیان خوبی که این باشگاه دارد به این مکان می‌آیند. کف سالن چندمنظوره در چهار، پنج نقطه فرورفتگی دارد. با وجود اینکه چندین‌بار با شهرداری تماس گرفتیم، ولی متأسفانه ترتیب‌اثری ندادند.

**یک ورزشکار**

● برخی کاسب‌ها فکر می‌کنند هیچ راننده‌ای اجازه پارک خودرو مقابل مغازه‌شان را ندارد و این مسئله روز سه‌شنبه، سیزدهم خرداد، باعث درگیری شد. راننده پراید بعدازظهر سه‌شنبه، سیزدهم خرداد، به دلیل نبود جای پارک، واقع در خیابان پیروزی، خیابان شکوفه، ابتدای خیابان سیرجان خواست خودرواش را مقابل مغازه‌ای پارک کند، اما کارکنان مغازه مانع پارک خودرو و موجب درگیری فیزیکی و فحاشی آنها و راننده پراید شدند که با وساطت اهالی هیچ‌کدام از آنها با مرکز فوریت‌های پلیسی ۱۱۰ تماس نگرفتند، گرچه درگیری موجب خسارت به راننده پراید شد. برخی‌ها به علت اطلاع‌نداشتن از قانون، به زورگویی عادت کرده‌اند و اجازه توقف خودرو را جلوی مغازه‌شان نمی‌دهند، درحالی‌که پیاده‌رو جلوی مغازه و کناره خیابان در تملک کسی نیست.

**علی‌اکبر فرقانی**

خبر

## کابینه افغانستان وضعیت مهاجران در ایران را بررسی کرد

● **ایرنا:** کابینه دولت افغانستان نشستی را به منظور بررسی موارد مبتلابه مهاجران افغان در ایران و همچنین نحوه اعزام هیئت دولتی به جمهوری اسلامی ایران برگزار کرد. کاخ ریاست‌جمهوری افغانستان بامداد دوشنبه با انتشار اطلاعیه‌ای نوشت که در این نشست، معاونان رئیس‌جمهوری، مشاور امنیت ملی و شماری دیگر از مقامات حضور داشتند. اعضای دولت درخصوص زندگی مهاجران افغان در ایران و تقویت و فنی‌سازی هرچه بیشتر نیروی مرزی افغانستان، بحث و تبادل نظر کردند. مقامات وزارت امور مهاجران و وزارت خارجه درخصوص آتش‌گرفتن خودرو مسافران غیرقانونی افغان در شهر یزد ایران که باعث کشته‌شدن چند نفر از مهاجران شد و همچنین مشکلات مهاجران افغان در ایران، گزارش دادند. کابینه افغانستان چنین مقرر کرد که در نخستین زمان ممکن، هیئتی برای حل همه‌جانبه مشکلات یادشده ضمن سفر به ایران، با طرف ایرانی درباره این موارد بحث و تبادل نظر کند. هدف این هیئت، چگونگی حل مشکلات مهاجران افغان در ایران عنوان شده است که پس از بررسی، دولت افغانستان مطابق نتایج حاصل از آن، برنامه لازم، عملی و تدابیر مؤثر را انجام دهد. دولت همچنین تاکید کرد که مرزبانان افغان در تمام مناطق مرزی به منظور جلوگیری از قاچاق به گونه درست وظایف خود را انجام دهند. در حادثه اردیبهشت در مرز استان هرات با ایران و همچنین در رخداد یزد، شماری از مهاجران افغانستان کشته و مصدوم شدند.

نوبت اول

آگهی مناقصه عمومی یک مرحله ای توام با ارزیابی کیفی (۲۰۹۹۰۰۱۱۰۵۰۰۰۰۲۴)
( شماره مجوز ۱۳۷۳ . ۱۳۹۹ )

شرکت خطوط لوله و مخابرات نفت ایران

مناقصه گزار : شرکت خطوط لوله و مخابرات نفت ایران
موضوع مناقصه : خدمات فنی منطقه به صورت حجمی
مبلغ برآورد مناقصه : ۱۴۰٫۴۰۵٫۶۴۲٫۷۶۶ ریال
۱ - محل و مکان اجرای کار: مرکز منطقه ، منازل سازمانی ، ناحیه آبادان ومراکز انتقال نفت تابعه
۲ - مدت اجرای کار: دو سال شمسی
۳ - نام دستگاه نظارت: شرکت خطوط لوله ومخابرات نفت ایران - منطقه خوزستان
۴ - قیمت ها متناسب با کالای ساخت داخل با لحاظ کیفیت ارائه گردد.
گواهینامه های صلاحیت موردنیاز :
- درج کد اقتصادی و شناسه ملی جهت اشخاص حقوقی(الزامی) در پیشنهاد قیمت مندرج در سامانه ستاد.
- ارائه گواهینامه تعیین صلاحیت معتبر از وزارت تعاون ، کار و رفاه اجتماعی در زمینه خدمات عمومی ( کد ۴ ) الزامی میباشد.
- ارائه تائیدیه از حراست شرکت ( جهت کسب اطلاعات بیشتر تماس با واحد حراست به شماره ۶۱۶۳۰۰۷۸-(۰۲۱) الزامیست
- ارائه گواهی تایید صلاحیت ایمنی( از اداره کار) الزامیست .
زمان ونحوه خرید اسناد ارزیابی کیفی : شرکت کنندگان مهلت دارند تا ساعت ۱۶:۰۰ روز سه شنبه مورخ ۱۳۹۹/۰۴/۰۳ و با مراجعه به سامانه تدارکات الکترونیکی دولت( ستاد) به نشانی www.setadiran.ir نسبت به خرید اسناد و پرداخت هزینه از طریق اتصال به درگاه پرداخت الکترونیک اقدام نمایند.

لازم به ذکر است کلیه مراحل برگزاری مناقصه از فرخوان تا انتخاب برنده از سایت مزبور انجام خواهد شد و لازم است مناقصه گران در صورت عدم عضویت قبلی در سامانه ستاد ، نسبت به ثبت نام و اخذ گواهی امضاء الکترونیکی اقدام نمایند و جهت عضویت با پشتیبانی سامانه ستاد به شماره ۰۲۱۴۱۹۳۴ تماس حاصل فرمایند.
زمان و مهلت تحویل اسناد ارزیابی کیفی تکمیل شده : شرکت کنندگان می بایست تا ساعت ۱۶:۰۰ روز شنبه مورخ ۹۹/۰۴/۲۱ نسبت به تکمیل اسناد مربوطه و بارگزاری در سامانه تدارکات الکترونیک دولت( ستاد) در مهلت مذکور اقدام نمایند.
اعلام نتایج ارزیابی کیفی : پس از انجام ارزیابی کیفی ، دعوتنامه شرکت در مناقصه برای مناقصه گرانی که صلاحیت ارزیابی کیفی را احراز نموده اند ارسال خواهد شد و در آن زمان می بایست تا مهلت مقرر مندرج در دعوتنامه نسبت به تکمیل اسناد مربوطه و بارگزاری در سامانه تدارکات الکترونیک دولت( ستاد)اقدام نمایند و پس از پذیرش در لیست کوتاه و ارسال دعوتنامه لازم است اصل پاکت الف (ضمانتنامه شرکت در فرآیند ارجاع کار) لاک و مهر شده را در مهلت مقرر به دفتر کمیسیون مناقصات تحویل و رسید دریافت نمایند.
زمان و محل گشایش پاکات : پیشنهادهای واصله در مهلت مقرر در دعوتنامه و اسناد مناقصه ، در محل کمیسیون مناقصات به آدرس: تهران- خیابان سپهبد قرنی- نرسیده به خیابان سپند- پلاک ۱۸۸- طبقه هش